

آموزش موسیقی در مدارس آلمان

از دکتر سعید خدیری

-۲-

بعد از جنگ جهانی دوم جوانان آلمان با وجود ازهم گسیختگی اوضاع و لزوم کوشش برای جبران خرابیها از فعالیت در زمینه هنر موسیقی غافل نماندند، بلکه در مواقع بیکاری بانث و سرودهای موجود به خواندن و نواختن پرداختند. وضع موسیقی مدارس در این زمان بسیار آشفته بود و فقط به علت آنکه میبایستی در کارنامه دانش آموزان نتیجه امتحان و درس موسیقی منظور شود، گاهگاهی به شاگردان مختصر تعلیمی در زمینه این هنر می دادند .

با گذشت زمان و بسط هنر موسیقی جاز و رقصهای سبک آمریکائی ، دانش آموزان آلمان نیز تحت تأثیر تحولات جدید هنری قرار گرفتند و مخصوصاً بیشتر اوقات بیکاری را صرف استماع و فرا گرفتن چنین موسیقی-هایی کردند . مریان موسیقی رفته رفته متوجه شدند که دوری مدرسه از موسیقی جاز و موسیقی رقص جدید و همچنین خود دازی از بحث درباره آن ، جوانان را نسبت به درك موسیقی مدرسه که به سبک قدیم و فقط درباره مواد معینی تدریس میشد دل سرد میکند و مانع از آن می گردد که درس موسیقی

چنانکه باید مفید و مؤثر باشد از همین رو پس از مشورت با یکدیگر تصمیم گرفتند که حداقل به وسیله گفتگو درباره موسیقی جاز و موسیقی رقص توجه شاگردان را به درس موسیقی جلب کنند تا در پرتو روی کار آمدن ژ شیوع موسیقی جاز که با روحیه جوانان سازگار می نمود ، بتوانند جوانان را به سبک های دیگر موسیقی نیز راغب سازند .

این تصمیم سرعت و سهولت جامعه عمل پوشید . موسیقی جاز چنان سرعت جای خود را در دل جوانان باز کرد که حتی در مدارس شهرهای کوچک نیز توجه شاگردان به آن معطوف گردید و دیگر میسر نبود که آنرا جدا و خارج از مواد درس موسیقی بشمار آورند . اما متأسفانه جذبه خاص موسیقی جاز و رقص های سبک و همچنین « آمریکایی پرستی » که پس از جنگ در بین آلمانی ها و برخی دیگر از ملت های اروپای غربی پدید آمد ، سبب شد که برخی از هواخواهان موسیقی و رقص سبک در این راه به افراط گرایند و حتی با پاسداران موسیقی و رقص کلاسیک به مخالفت برخیزند . این گونه مخالفت ها در مدارس نیز تجلی کرد ، چنانکه « برنهارد بینکوفسکی »^۳ محقق موسیقی و مؤلف کتاب « موسیقی و مدرسه » راجع به موسیقی رقص سبک از زبان دانش آموزی چنین نوشت : « موسیقی رقص موسیقی جوانان است و به همین دلیل درک و فهم آن فقط توسط این طبقه از افراد امکان دارد . معلم فردی است از نسل گذشته و متعصب و بی اطلاع از مشکلات و خواست های ما . چگونه یک چنین فردی می تواند درباره موسیقی رقص نظر خوب و موافقی داشته باشد ؟ »

با وجود اینکه مریبان فن آنطوریکه باید به موسیقی جاز و رقص های سبک راغب نبودند و بحث و پرداختن با آنها برای ایشان کاری بس دشوار و اغلب اجباری بود ، موسیقی جدید توانست توجه ایشان را بخود معطوف دارد و برای خود مقامی در بین سبک های دیگر موسیقی احراز کند .

رفته رفته با استفاده از صفحه و تشکیل مجالس کنسر ، گوش و دست دانش آموزان به این گونه هنر خو گرفت و مریبان باین نتیجه رسیدند که آموزش و پرورش موسیقی جدید که مربوط به نسل و زمان حاضر است ، یکی

از وظایف مهم آموزش موسیقی است .

« ابرهارد پروسبر » مربی موسیقی ، درباره تدریس موسیقی جدید در مدرسه چنین گفت : « با وجودی که ما از لحاظ سیاسی و اقتصادی و صنعتی در عصر حاضر به سر می بریم ، معذالك از شنیدن موسیقی جدید احساس غرابت می کنیم و با آن مخالفت میورزیم . از اینرو بر هر مربی موسیقی مدرسه که با نسل جوان کشور سروکار دارد ، واجب است که دانش آموزان را از مفهوم « موسیقی جدید » ترساند و آنرا نامأنوس و ملال آور جلوه نهد . وظیفه مربی است که از دوره دبستان به بعد شاگردان را نه فقط به گوش دادن موسیقی جدید تشویق و راهنمایی کند ، بلکه عملاً نیز ایشانرا بشترین و فرا گرفتن آن بگمارد . برای رسیدن به این مقصود مریسان باید صبر و تحمل فراوانی داشته باشند . »

تحول موسیقی آلمان مخصوصاً در عرصه زندگی جوانان بسیاری از محققان هنر و آموزش و پرورش را سخت بخود جلب کرد و به بررسی های دامنه داری کشانید ، چنان که این نگارنده نیز در دانشگاه هایدلبرگ ، به تحقیق در این باره انگیزه شد و رساله تحقیقی مبسوطی تألیف کرد . مصالح این کار تحقیقی بوسیله پرسشنامه و مصاحبه فراهم آمد ، و چون بیم آن میرفت که دانش آموزان دبستانی بعزت کمی سن و نداشتن تماس کافی با محیط هنری خارج از خانه و مدرسه از قبیل اپرا و کنسرت و مجالس رقص نتوانند بتمام پرسش های مورد نظر پاسخ گویند ، تصمیم گرفته شد که این تحقیق فقط شامل دانش آموزان دبیرستانی باشد . از همینرو موافق موازین نمونه گیری ، شاگردان پنج مدرسه دخترانه و پسرانه مورد بررسی قرار گرفتند .

مطالعه برنامه درسی این دبیرستان ها نشان داد که در هر کلاس برای دروس موسیقی و کاردستی در مدارس متوسطه آلمان هفته ای دو ساعت در نظر گرفته شده است و معمولاً در نیمه اول سال تحصیلی درس موسیقی و در نیمه دوم سال کاردستی تدریس میشود . موادی که در ساعات درس موسیقی تدریس می شد عبارت بود از :

۱- سرود و آوازه های محلی قدیم و جدید به صورت يك صدائی و چند

صدائی (دانش آموزان موظف بودند که در هر سال پنج سرود و ترانه بیاموزند) .

۲- آموزش و پرورش صدا .

۳- تدریس قواعد موسیقی و تفسیر آثار هنرمندان (راهنمایی در مورد آثار آهنگسازان قدیم و جدید) .

۴- آشنایی با قالب‌های قدیم و جدید چند صدائی مانند موت و کر و فوگ و شناختن انواع موسیقی مانند کنسرتو ، سنات و سنفونی و اوراتوریو و اپرا .

با توجه باینکه دو ساعت درس موسیقی در هفته برای برنامه سنگین و مفصلی که ذکر شد ، کافی به نظر نمی‌رسید ، مسلم بود که تعلیم موسیقی سبک نمی‌توانست جایی در برنامه آموزشگاهی داشته باشد . بنا بر این نگارنده درصدد برآمد که چگونگی آشنایی نسل جدید را با این نوع و سبک‌های دیگر موسیقی دریابد .

برای این منظور سؤالاتی از این قبیل در پرسشنامه سابق الذکر گنجانید :

آیا با این وضع دانش آموزان می‌توانند آنطوریکه باید در درس موسیقی با سبک‌های نو آشنا شوند ؟ آیا هفته‌ای دو ساعت درس موسیقی باعث رضایت خاطر دانش آموزان می‌شود یا اینکه رضایت ایشان از این بابت در محیط خارج از مدرسه فراهم می‌گردد ؟ آیا دانش آموزان برای استماع موسیقی بکدام وسیله بیشتر متوسل میشوند : رادیو ، صفحه یارفتن به کنسرت و اپرا ؟ علاقه ایشان بکدام سبک موسیقی بیشتر است : موسیقی قدیم ، کلاسیک ، جدید ، جاز ... ؟ بچه‌دلیل ایشان نوعی مخصوص از موسیقی را ترجیح می‌دهند ؟ کدام آهنگساز و رهبر ارکستر و خواننده و نوازنده بیشتر مورد علاقه آنان است ؟ آیا دانش آموزان برای خواندن اخبار و مقالات موسیقی به روزنامه‌ها و مجلات اختصاصی رجوع میکنند و شرح ژندگی موسیقیدانان را مورد مطالعه قرار می‌دهند ؟ شاگردان مدرسه کدام نوع از صفحات موسیقی را جمع‌آوری می‌کنند ؟ آیا ایشان به محافل رقص و مخصوصاً به مجالس موسیقی جاز می‌روند ؟ آیا دانش آموزان در مواقع بیکاری نواختن سازی را فرامی‌گیرند ؟ آیا چند

ساعت در روز یا هفته را برای تمرین ساز دلخواه خود صرف می کنند؟ آیا در دسته های آواز گروهی مدرسه یا کلیسا یا «خانه جوانان» و غیره شرکت میجویند؟ آیا دانش آموزان قادر به شرکت در دسته کنسر مدرسه یا دسته های خارج از مدرسه هستند؟ آیا ایشان تا بحال بفکر آفرینش قطعه می افتاده و آهنگی ساخته اند؟ علاقه دانش آموزان به هنر موسیقی با وضع طبقاتی و خانوادگی ایشان چه نسبتی دارد؟ عقیده دانش آموزان نسبت به درس موسیقی مدرسه و معلم آن چیست و چه پیشنهادی برای بهبود موسیقی مدرسه می کنند؟ برای کسب اطلاع از پاسخ این سؤالات و پرسش های دیگر، از ۷۰۲ تن دختر و پسر دبیرستانی بوسیله پرسشنامه و مصاحبه پرسشهایی بعمل آمد.

نتایجی که از این بررسی به دست آمد و احتمالاً اندک تأثیری در راهنمایی اولیای مدارس و بهبود درس موسیقی کشور آلمان کرد، در شماره آینده از نظر خوانندگان ارجمند خواهد گذشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی